

گروه سور و گروه ممیز در بلوچی سرحدی، تحلیلی کمینه‌گرا

(ص ۵۶ - ۳۷)

دکتر علی درزی

دانشیار دانشگاه تهران^۱

دکتر ناهید یاراحمدزهی

استادیار دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰/۵/۱۹

چکیده

در این مقاله به بررسی احتمال حضور گروه سور و گروه ممیز در بلوچی سرحدی میپردازیم و نشان میدهیم که در گروه‌های اسمی ساده عدد و یا سور در حوزه میانی و در جایگاه هسته یک فرافکن نقشی از نوع گروه عدد و یا سور تولید میشوند. همچنین نشان میدهیم که در صورت حضور ممیز، گروه اسمی بلوچی نمونه‌ای از ساخت شبه‌بخشی مجاور است که در آن ممیز در جایگاه هسته گروه ممیز قرار میگیرد. از آنجا که وجود ممیز در گروه اسمی، حضور عدد و یا سور را الزامی مینماید، فرض میکنیم که هسته گروه ممیز میزبان مشخصه‌ای تعبیرناپذیر از نوع [uQ] است که تنها در صورت تشکیل یک گروه سور و یا عدد بر فراز آن ارزش گذاری میشود.

واژه‌های کلیدی: گروه تعریف، گروه سور، گروه ممیز، ساخت شبه‌بخشی، گروه مقدار

۱. نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول: alidarzi@ut.ac.ir

۱- مقدمه

یکی از حوزه‌های مورد توجه پژوهشگران در چهارچوب دستور گشتاری، مطالعه و بررسی ساختار درونی گروه‌های اسمی در زبانهای مختلف و مقایسه آن با ساختار درونی جمله است. از جمله فرضیه‌های مهم مطرح‌شده در این زمینه آن است که عبارت اسمی مقوله‌ای از نوع گروه تعریف^۲ است و ساختار درونی آن مانند ساختار درونی جمله از سه حوزه تعبیری، میانی، و واژگانی - معنایی تشکیل شده است. حوزه تعبیری جایگاه تولید عناصر نقشی همچون حرف تعریف است که از آنها به عنوان معرف نیز نام برده میشود. حضور این عناصر باعث ایجاد تعبیری نظیر معرفگی، نکره بودن، عام بودن، و... میشود.

حوزه واژگانی - معنایی در ساختار درونی گروه اسمی جایگاه تولید عناصری است که با هسته اسمی رابطه معنایی داشته و از آن نقش معنایی دریافت میکنند. حوزه میانی نیز جایگاه تولید فرافکنهای نقشی است که با هسته اسمی رابطه‌ای توصیفی و تطبیقی برقرار میکنند. در مقاله حاضر با پذیرش ساختار سه حوزه‌ای برای عبارتهای اسمی ارجاعی و نیز قبول این فرض که همه موضوعهای اسمی یک محمول صرف نظر از معرفه یا نکره بودن آنها، مقوله‌ای از نوع گروه تعریف هستند، حضور گروه سور^۳ و گروه ممیز^۴ در حوزه میانی گروه تعریف در بلوچی سرحدی را بررسی میکنیم. بدین منظور ابتدا در بخش دوم به معرفی ساخت شبه‌بخشی^۵، انواع و ویژگیهای آن میپردازیم. در بخش سوم تحلیلهای ارائه شده برای این نوع ساختها را ارائه میدهم و در بخش چهارم نیز بر پایه شواهد مربوط به این نوع ساخت در بلوچی سرحدی، چگونگی تولید گروه سور و گروه ممیز را در گروه تعریف این گویش تبیین میکنیم. بخش پنجم نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲- ساخت شبه‌بخشی، انواع و ویژگیهای آن

از نظر نحوی میان ساختهایی همچون نمونه‌های (۱) و (۲) تمایز وجود دارد.

(۱) A glass of milk

-
2. determiner phrase
 3. quantifier phrase (QP)
 4. classifier phrase (CLP)
 5. pseudo partitive

(۲) A picture of my mother

بر حسب ظاهر، در هر دو این ساختها یک اسم، متممی از نوع گروه حرف اضافه‌ای پذیرفته است، اما میان این دو نوع ساخت از نظر عملکرد نحوی تفاوت‌های مهمی وجود دارد که نشان می‌دهد این نمونه‌ها را نباید از یک سنخ در نظر گرفت؛ به عنوان مثال گروه حرف اضافه‌ای در نمونه (۲) را میتوان از درون گروه تعریف به بیرون جابجا کرد؛ اما این امر در مورد نمونه (۱) امکان‌پذیر نیست.

(۳) Of my mother, I have no picture.

ب . *Of milk, I drank a glass

علاوه بر این، هرگاه یک گروه اسمی از نوع (۱) به عنوان موضوع یک فعل عمل کند، فعل از نظر معنایی با اسم دوم موجود در این ساخت رابطه‌گزینشی برقرار میکند؛ در حالی که اگر موضوع فعل، گروه اسمی از نوع (۲) باشد، فعل از نظر معنایی اسم اول را گزینش میکند.

(۴) I drank a [glass]_{n₁} of [milk]_{n₂}

(۵) I took a [picture]_{n₁} of my [mother]_{n₂}

به این ترتیب به نظر میرسد که اسم اول در ساخت (۱) درمقابل گزینش معنایی اسم دوم به وسیله فعل مانعی ایجاد نمیکند.

تفاوت سوم این دو نوع ساخت این است که در ساخت نوع (۱) هرگز نمیتوان اسم دوم را همراه با حرف تعریف، صفت اشاره و یا اسم ملکی به کار برد. تنها توصیف‌کننده‌ای که میتواند همراه این اسم به کار رود از نوع صفتی است.

(۶) الف . * That bottle of the /this/that/your milk


ب . That bottle of warm milk

این امر نشان می‌دهد که اسم دوم در این نوع ساختها یک گروه تعریف نیست. این محدودیت در مورد ساخت نمونه (۲) وجود ندارد.


(۷) A picture of the /this/that /my family

از طرفی، در ساخت نوع (۱)، صفتی که قبل از اسم اول قرار گرفته است، میتواند اسم دوم را توصیف کند؛ حال آنکه این امر در ساختهایی از نوع (۲) ممکن نیست.

(۸) A tasty [glass]_{N1} of [milk]_{N2}



(۹) A digital [picture]_{N1} of my [brother]_{N2}



این امر نیز نشان میدهد که اسم اول در ساخت (۱) برای ایجاد رابطهٔ توصیفی بین محمول صفتی و اسم دوم مانعی ایجاد نمیکند.

با توجه به این تفاوتها و با قبول وجود تمایز میان این دو نوع ساخت، ساختهای نوع اول ساخت شبه‌بخشی نامیده شده‌اند. براساس مشاهدات، ساختهای شبه‌بخشی که تقریباً در تمام زبانها یافت میشوند به دو دسته عمده تقسیم‌بندی میشوند. نوع اول این ساختها همان است که در زبان انگلیسی وجود دارد و نظیر آن در نمونه (۱) ارائه شده است. در این نوع ساختها میان اسم اول و اسم دوم همیشه یک حرف اضافه قرار میگیرد. در نوع دوم این ساختها، اسم اول و اسم دوم بدون حضور حرف اضافه در مجاورت هم قرار میگیرند؛ از این رو از این نوع ساخت با عنوان ساخت شبه‌بخشی مجاور^۶ یاد میشود. ساخت شبه‌بخشی در زبانهایی همچون یونانی و هلندی از این نوع است. نمونه (۱۰) ساخت شبه‌بخشی را در زبان یونانی نشان میدهد.

(۱۰) een fles (*van) water

a bottle * (of) win (الکسیادو و همکاران^۷ ۲۰۰۷: ۴۰۷)

یکی از ویژگیهای مشترک ساختهای بخشی در زبانهای مختلف این است که اسمهایی را که میتوانند در این ساختها در جایگاه اسم اول و یا اسم (۱) قرار گیرند میتوان به پنج دسته تقسیم کرد:

الف) اسامی عددی (هزار، جین و ...)

ب) اسامی کمیتی (جفت، دست، رمه، دسته و ...)

6. juxtaposed pseudo partitive

7. Alexiadou et al

ج) اسامی ظرف (لیوان، جعبه، قالب، ...)

د) اسامی یا واحدهای اندازه‌گیری (کیلو، تن، ...)

ه) اسامی بخشی (تکه، برش، ...)

در مورد اسم (۱) در ساخت شبه‌بخشی باید به دو نکته اشاره کرد. اول اینکه این اسم به‌نوعی وابسته به وجود اسم دوم و یا اسم (۲) در این‌گونه ساختها است. به‌طوری‌که حتی در صورت حذف اسم دوم باز هم از نظر معنایی حضور آن قابل درک است. واضح است که در نمونه (۱۱)، فاعل محتوای بطری و نه خود آن را نوشیده است.

(۱۱) I drank a bottle.

نکته دوم اینکه اسم (۱) همیشه باید همراه با یک حرف تعریف نکره، عدد و یا سور به‌کار رود و هیچگاه به‌تنهایی در این ساختها ظاهر نمیشود.

ena potiri nero الف (۱۲)

a/one glass water

potiri nero . ب

glass water (یونانی) (الکسیادو و همکاران ۲۰۰۷: ۴۰۴)

اسم (۱) و عناصر همراه آن با هم گروهی را تشکیل میدهند که مصداق اسم (۲) را به پدیده‌ای کمیت‌پذیر تبدیل مینماید.

بررسیهایی که تاکنون بر روی زبانهای دارای ساخت شبه‌بخشی انجام شده نشان میدهد که اسم (۲) همواره یک اسم غیرقابل شمارش و یا یک اسم قابل شمارش است که به صورت جمع به‌کار میرود. اسم (۲) هرگز نمیتواند یک اسم قابل شمارش مفرد باشد. در ادامه تحلیلهایی را که تاکنون برای توضیح این دو نوع ساخت شبه‌بخشی ارائه شده است، معرفی میکنیم.

۳- تحلیلهای ارائه‌شده در مورد ساختهای شبه‌بخشی

در ارتباط با تحلیل این ساختها دو نوع رویکرد عام وجود دارد. در رویکرد اول فرض بر این است که در درون این نوع گروه‌های اسمی، یک فرافکن اسمی مستقل دیگر وجود دارد که با اسم دیگر حاضر در این ساخت رابطه اسنادی برقرار میکند. این رویکرد که آن

را رویکرد اسنادی مینامند، اولین بار توسط ابنی^۱ (۱۹۸۷) مطرح شده و بیشتر برای تبیین آن دسته از ساختهای شبه‌بخشی کاربرد دارد که دارای یک حرف اضافه هستند.

(۱۳) $[_{DP}A [_{NP} \text{bottle} [_{pp} \text{of water}]]]$

ابنی (۱۹۸۷) ساختار درونی این ساختها را به صورت نمونه^{۱۴} (۱۴) نمایش داده و معتقد است که در این حالت، گروه حرف اضافه‌ای متمم نیست بلکه نقش محمولی دارد. این دیدگاه ابنی (۱۹۸۷) راه را برای تحلیلهای بعدی باز نمود. پژوهشهای بعدی نشان داد که اسم (۲) مانند یک متمم معمولی حرف اضافه‌ای عمل نمیکند و این دو با هم یک سازه واحد را تشکیل نمیدهند. بنابراین با پاره‌ای فرضیات، اسم (۱) محمولی در نظر گرفته شده که از درون خرده‌جمله حاوی خود به بیرون حرکت کرده و در جایگاه شاخص یک هسته نقشی بالاتر و قبل از اسم (۲) که نقش فاعل را در خرده‌جمله ایفا میکند قرار میگیرد. هسته خرده‌جمله نیز که به هسته فرافکن نقشی بالاتر رفته است به صورت حرف اضافه تظاهر می‌یابد.

(۱۴) الف - $[_{DP} \text{Det} [_{FP} F [_{XP} NP_2 [_{X'} X NP_1]]]]$

ب - $[_{DP} \text{Det} [_{FP} NP_1 [F+X_j = \text{of}]] [_{XP} NP_2 [_{X'} t_j [t_1]]]]]$

(ابنی ۱۹۸۷: ۲۹۶)

نقطه قوت این تحلیل این است که حضور حرف اضافه را توجیه میکند. اما این تحلیل نمیتواند ویژگیهای خاص اسم (۱) و اسم (۲) و محدودیتهایی که بر آنها و نیز توصیف‌کننده‌های آنها حاکم است را بخوبی توجیه کند.

رویکرد دوم در تحلیل ساختهای شبه‌بخشی برای اولین بار در مورد ساختهای شبه‌بخشی مجاور مطرح شد. براساس این رویکرد، برخلاف رویکرد اسنادی، فرافکن اسمی مستقل دیگری در درون گروه تعریف اصلی وجود نداشته و این ساخت دارای یک هسته اسمی واحد است؛ به همین دلیل از این رویکرد به عنوان رویکرد تک‌فرافکنی یاد میشود. نکته اصلی در جدیدترین تحلیلهای ارائه شده بر مبنای این رویکرد این است که اسم (۲) هسته گروه اسمی است و اسم (۱) به دلیل ماهیت کمیتهی خود چیزی بین یک هسته نقشی و یک

هسته واژگانی است که مانعی درمقابل دسترسی عناصر دیگر همچون فعل و صفت به اسم (۲) ایجاد نمیکند. این امر به این معنی است که اگرچه ساخت شبه‌بخشی ظاهراً دو اسم در درون خود دارد اما یک گروه اسمی واحد با مصداقی واحد در جهان خارج است. یکی از دلایلی که این امر را تأیید میکند این است که در زبانهایی مثل یونانی که نظام حالتی غنی دارند، هر دو اسم موجود در ساخت شبه‌بخشی همیشه دارای حالت یکسانی هستند، در حالی که اگر اسم (۲) فراقنی مستقل بود انتظار میرفت که حالت مخصوص خود را داشته باشد.

طرفداران این رویکرد در توضیح نظر خویش ابتدا به شباهتهای عملکردی که میان اسم (۱) و عناصر همراه آن (حرف تعریف نکره، عدد و یا سور) در ساخت شبه‌بخشی از یک طرف و سورهای معمولی در فراقنهای اسمی ساده از طرف دیگر، وجود دارد اشاره میکنند و سپس نتیجه میگیرند که این دو گروه از عناصر، نقش و توزیع یکسانی داشته و هر دو کمیت اسم هسته را مشخص مینمایند؛ به عبارت دیگر اسم (۱) و عناصر همراه آن همانند عدد و سور که از عناصر نقشی درون گروه تعریف هستند عمل میکنند. دلیل این شباهتها نیز حضور اسم (۱) در ساخت شبه‌بخشی است که علاوه بر داشتن بعضی ویژگیهای واژگانی، دارای دسته‌ای ویژگیهای نقشی و کمیتی نیز هست. در این نوع تحلیل، همه عناصری که در جایگاه اسم (۱) تولید میشوند به عنوان ممیز^۹ در نظر گرفته میشوند. براساس این دیدگاه اسم (۱) و یا ممیز، هسته یک فراقکن واژگانی نیست، بلکه در جایگاه هسته یک فراقکن نقشی با عنوان گروه ممیز تولید میشود که خود توسط یک عدد و یا سور که در هسته فراقکن گروه سور قرار دارد انتخاب میشود.

امروزه وجود هسته‌های نقشی و هسته‌های واژگانی و تمایز میان آنها امری پذیرفته شده است، اما همیشه این سؤال مطرح بوده است که آیا عناصری وجود دارد که دارای حالتی میانی بوده و به عبارتی نیمه‌نقشی نیمه‌واژگانی باشد. عده‌ای از زبانشناسان همچون الکسیادو و همکاران (۲۰۰۷) عقیده دارند که در بعضی زبانها چنین هسته‌هایی در ساختار بندها به کار میرود.

۹. ممیز در اینجا به معنی تخصصی و خاص آن در زبانهایی همچون ژاپنی که دارای نظام ممیزی پیچیده‌ای هستند، به کار نرفته است.

اگر این امر را بپذیریم، آنگاه این نظر که با توجه به تقارن میان بند و گروه اسمی، عناصری از این دست در گروه اسمی هم یافت میشوند قابل قبول خواهد بود. یکی از گزینه‌های موجود، اسم ممیز در ساختهای شبه‌بخشی است که در مورد آن سخن گفتیم. چنانکه دیدیم این عنصر با فعل و صفت قبل از خود روابط گزینشی و توصیفی برقرار نمیکند و همراه با عدد، حرف تعریف نکره و یا سور پیش از خود مانند یک سور و عدد معمولی در فرافکنهای اسمی ساده، هسته اسمی بعد از خود را توصیف و اندازه آن را معین میکند.

اسم ممیز در ساختهای شبه‌بخشی را نمیتوان به وسیله یک گروه حرف اضافه و یا بند موصولی نیز توصیف نمود. این وضعیت را در مثال (۱۵) از زبان یونانی مشاهده میکنید.

(۱۵) *ena bukali me psilo lemo nero

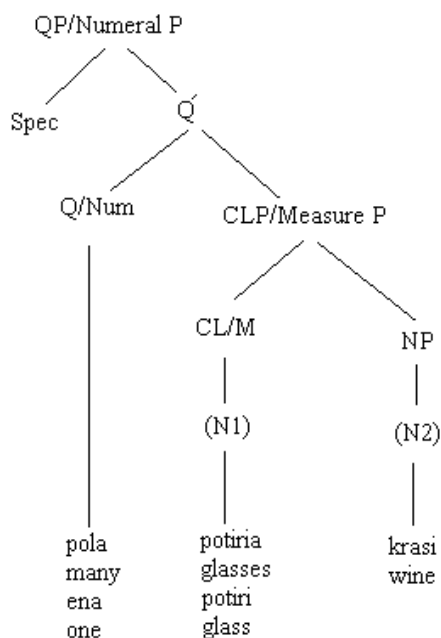
a bottle with long neck water

(الکسیادو و همکاران ۲۰۰۷: ۴۱۵)

در دیدگاه تک‌فرافکنی درنهایت نموداری نظیر نمودار شماره (۱۶) برای نشان دادن

ساختار درونی ساختهای شبه‌بخشی مجاور پیشنهاد میشود.

(۱۶)



(همان، ۴۱۶)

در این رویکرد در پاسخ به اینکه چرا بعضی از صفتهای توصیف‌کننده اسم (۲)، بین اسم (۱) (ممیز) و اسم (۲) و تعدادی از آنها نیز قبل از ممیز قرار میگیرند چنین استدلال میشود که صفت‌هایی که بین این دو اسم قرار میگیرند از توصیف‌کننده‌های سطح گروه اسمی بوده و صفت‌هایی که پیش از ممیز قرار میگیرند مربوط به سطوح نحوی بالاتر از این گروه هستند.

نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که از آنجا که ساخت شبه‌بخشی در هیچیک از زبانهای بررسی شده همراه با حرف تعریف معرفه به کار نمی‌رود و اسم ممیز نیز حتماً باید به وسیله یک عدد، سور و یا حرف تعریف نکره همراهی شود، این گونه نتیجه‌گیری میشود که این ساختها مقوله‌ای از نوع گروه سور و یا گروه عدد^۱ هستند و فرافکن گروه تعریف در آنها تشکیل نمیشود. پرواضح است که این دیدگاه در راستای دیدگاه زبانشناسانی نظیر لاینز (۱۹۹۹) است که عقیده دارند فرافکن گروه تعریف تنها زمانی که اسم معرفه است تولید میشود.

در بخش بعد، از آنچه تاکنون بیان شده برای بررسی داده‌های بلوچی سرحدی استفاده کرده و چگونگی حضور فرافکنهایی چون گروه سور و گروه تعریف را در این گویش به بوته آزمایش میگذاریم.

۴. ساخت شبه‌بخشی در بلوچی سرحدی

در بلوچی ساخت‌هایی وجود دارد که میتوان آنها را در زمره ساختهای شبه‌بخشی مجاور در نظر گرفت.

galās-i	āp	yak الف (۱۷)
آب	(ی) نکره- لیوان	یک

‘یک لیوان آب’

ramag	pas	čont ب
گله	گوسفند	چند

‘چند گله گوسفند’

با توجه به آنچه در بخش قبل در توضیح ویژگی‌های این نوع ساختها گفته شد، میتوان نشان داد که نمونه‌های (۱۷- الف و ب) به‌واقع نشانگر ساخت شبه‌بخشی مجاور در بلوچی هستند.

الف- در این ساختها در بلوچی، فعل جمله به‌لحاظ معنایی بر اسم (۲) محدودیت‌گزینشی اعمال میکند.

(۱۸) man yak galās-i āp wārton.

خوردم آب (ی) نکره- لیوان یک من

ب- صفتی که در این ساختها قبل از ممیز (اسم (۱)) قرار میگیرد میتواند با اسم (۲)

رابطه توصیفی برقرار کند.

(۱۹) sardine galās-i āp

آب (ی) نکره- لیوان سرد

‘یک لیوان آب سرد’

bitāmin kāsag-i hatok

خورش (ی) نکره- ظرف بی مزه

‘یک ظرف خورش بی مزه’

ج- در این ساختها، اسم (۲) را نمیتوان همراه با صفت اشاره و یا اسم ملکی به‌کار برد و تنها توصیف‌کننده مجاز صفتها هستند.

(۲۰) *čont ramag ā / ye / mni pas

گوسفند من / این / آن گله چند

čont ramag zabrin pas

گوسفند خوب گله چند

‘چند گله گوسفند خوب’

د- حضور ممیز در این ساختها وابسته به حضور اسم (۲) است و حتی اگر این اسم حذف شده باشد، وجود آن از نظر معنایی قابل درک است.

āp .الف (۲۱) a-ware?

آب میخوری

na. hannu yak galās-i wārton ب

نه الان یک لیوان (ی) نکره-لیوان خوردم

‘نه، الان یک لیوان خوردم’

هـ- اسم ممیز در این ساختها را نمیتوان به وسیلهٔ یک گروه حرف اضافه و یا بند موصولی توصیف کرد. این امر نشان میدهد که این اسم یک هستهٔ واژگانی مستقل با محتوای قابل توصیف نیست.

*yak galāsi go šišagin dastagi āp .الف (۲۲)

آب دسته شیشه‌ای با لیوانی یک

*yak galās ke šišagin dastagi dāšt āp ب

آب داشت دسته‌ای شیشه‌ای که لیوانی یک

شباهتهای ذکرشده در بالا نشان میدهد که گروه‌های اسمی (۱۷- الف و ب) نمونه‌هایی از ساخت شبه‌بخشی مجاور در بلوچی هستند.

چنانکه اشاره شد، در ساختهای شبه‌بخشی اسم ممیز و حرف تعریف نکره، سور و یا عدد همراه آن همانند یک سور در گروه‌های اسمی ساده عمل میکنند. شواهد زبانی در بلوچی نیز بخوبی این امر را تأیید میکنند. در ادامه به پاره‌ای از این شباهتها اشاره کرده و برای سهولت کار، اسم ممیز و عناصر همراه آن را گروه مقدار^{۱۱} مینامیم.

الف- سور در گروه اسمی ساده و گروه مقدار در ساخت شبه‌بخشی هر دو میتوانند در فرآیند مبتداسازی انشقاقی^{۱۲} شرکت کنند. این امر به این معنی است که در هر دوی این ساختها (گروه اسمی ساده و ساخت شبه‌بخشی)، اسم هسته میتواند از بقیه عناصر جدا شده و به تنهایی مبتداسازی شود.

11 . measure phrase

12 . split topicalization

(گروه اسمی ساده)

āyi bāz āp wā . الف (۲۳)

خورد آب زیاد او

‘او آب زیادی خورد.’

āyi bāz wā , āp . ب

خورد زیاد او آب

‘آب، او زیاد خورد.’

āyi yak galās-i āp wā . الف (۲۴) (ساخت شبه‌بخشی)

خورد آب لیوانی یک او

‘او یک لیوان آب خورد.’

āyi yak galās-i wā , āp . ب

خورد لیوانی یک او آب

‘آب، او یک لیوان خورد.’

ب- سور معمولی و گروه مقدار هر دو میتوانند به تنهایی و بدون حضور اسم در پاسخ

به یک سؤال به کار روند.

čenka pas zān butan? الف (۲۵)

شدند گم گوسفند چه تعداد

‘چه تعداد گوسفند گم شدند؟’

bāz . ب

بسیار

do ramag . ج

دو گله

ج- سور معمولی و گروه مقدار هر دو میتوانند متمم فعل ربطی باشند.

pasān bāz – ant. الف (۲۶)

هستند- زیاد گوسفندها

pasān do ramag-ant. ب

هستند گله دو گوسفنداها

د- عدد و سور معمولی در گروه اسمی ساده و گروه مقدار در ساخت شبه‌بخشی هر دو می‌توانند حذف اسم بعد از خود را مجاز نمایند.

(۲۷) man čār pas gepton, amin pañč

پنج امین خریدم گوسفند چهار من

'من چهار گوسفند خریدم، امین پنج تا.'

(۲۸) man se kēlu brenj gepton, razā do kēlu.

کیلو دو رضا خریدم برنج کیلو سه من

'من سه کیلو برنج خریدم، رضا سه کیلو.'

شواهد ارائه‌شده در بالا بخوبی نشان می‌دهد که گروه‌های اسمی از این دست در بلوچی نمونه‌هایی از ساخت شبه‌بخشی مجاور هستند و بنابراین باید بتوان آنها را براحتی در قالب رویکرد تک‌فراکنی توجیه کرد.

استفاده از رویکرد اسنادی به چند دلیل مناسب نیست؛ اول اینکه اگرچه بتازگی تلاش می‌شود با پاره‌ای از تغییرات از این رویکرد برای توجیه ساختهای شبه‌بخشی مجاور نیز استفاده شود، اما همچنان مهمترین نقطه قوت این رویکرد، توضیح حضور حرف اضافه است که در ساخت شبه‌بخشی، از نوعی که در بلوچی یافت می‌شود، وجود ندارد؛ دوم اینکه، همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، این رویکرد نمیتواند ویژگیهای اسم (۱) و اسم (۲) و رابطه خاص میان آنها را که قبلاً در مورد آن توضیح داده‌ایم، بخوبی توجیه کند و مهمتر اینکه، چنانکه در ادامه خواهیم دید، دیدگاه تک‌فراکنی با هدف ما که ارائه یک ساختار حوزه‌ای دارای تنها یک هسته اسمی است و مابقی فراکنهای موجود در آن همگی نقشی بوده و به تناسب نقش خود در حوزه‌های میانی و تعبیری تولید میشوند همخوانی کامل دارد.

با توجه به آنچه از قبل در مورد رویکرد فراکنی گفته‌ایم، ابتدا ساختار درونی یک گروه اسمی ساده را که دارای سور/ عدد است نشان می‌دهیم و سپس آن را با ساختهای شبه‌بخشی مقایسه کرده و در مورد نحوه تولید آنها توضیح می‌دهیم. نمونه (۲۹- الف) یک

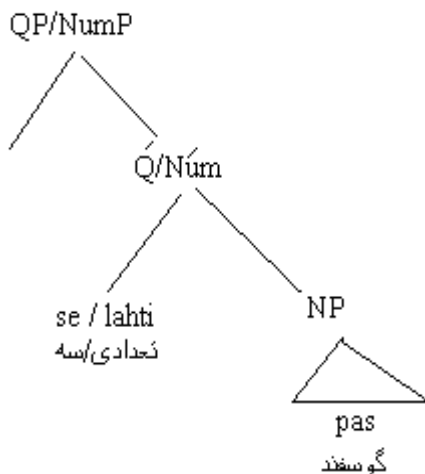
گروه اسمی ساده است که دارای عدد/ سور است و نمودار (۲۹ - ب) ساختار درونی آن را نشان می‌دهد.

(۲۹) الف . lahti / se pas

گوسفند سه تعدادی

‘سه گوسفند/ تعدادی گوسفند’

ب .



چنانکه میبینیم یکی از فرافکنهای نقشی که در حوزه میانی تولید میشود، گروه سور/ عددی است که یک عدد و یا سور در جایگاه هسته آن قرار میگیرد. نمونه‌های (۳۰-الف و ب) ساخت شبه‌بخشی در بلوچی را نشان میدهد و نمودار درختی (۳۰-ج) ساختار درونی آنها را نمایش میدهد.

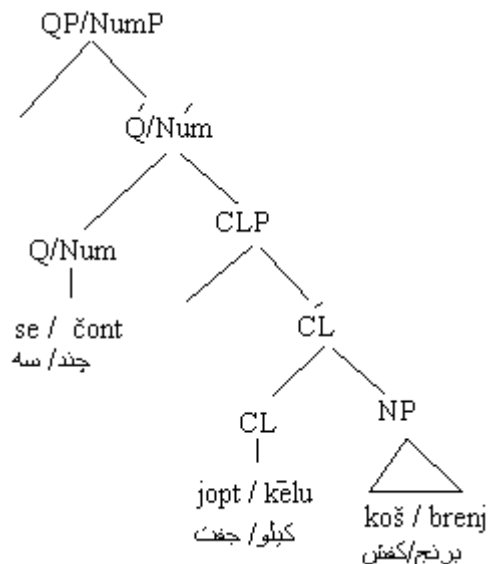
(۳۰) الف . se jopt kōš

کفش جفت سه

ب . čont kēlu brenj

برنج کیلو چند

ج.



مقایسه نمودارهای (۲۹-ب) و (۳۰-ج) نشان می‌دهد که تفاوت نمونه‌های (۳۰-الف و ب) با گروه اسمی مانند نمونه (۲۹-الف) در این است که در ساختار درونی این نمونه‌ها، یک گروه ممیز نیز وجود دارد که هسته آن نوعی اسم است که ماهیتی نیمه‌نقشی-نیمه‌واژگانی دارد. در تبیین چگونگی تولید چنین ساختهایی با فرض اینکه جهت اشتقاق از پایین به سمت بالا است، میتوان چنین فرض کرد که در جریان اشتقاق فرافکن اسمی (NP) با یک ممیز که نقش هسته یک فرافکن نقشی از نوع گروه ممیز را ایفا میکند، ترکیب میشود. این ممیز که میتواند متعلق به هر یک از پنج دسته‌ای که قبلاً از آنها نام برده‌ایم باشد، دارای مشخصه‌ای تعبیرناپذیر از نوع کمیتی و یا [uQ] است که تنها در صورتی ارزش‌گذاری میشود که در ادامه اشتقاق، فرافکن اسمی با یک هسته نقشی از نوع عدد و یا سور ترکیب شود و اگر این اتفاق روی ندهد، اشتقاق همگرا نمیشود. با توجه به این امر میتوان گفت گروه سور یا گروه عدد میتواند به‌طور اختیاری در یک گروه اسمی تولید شود، اما به مجرد اینکه یک ممیز وارد فرآیند اشتقاق شود، حضور فرافکن (QP/Num P) الزامی خواهد بود.

تا به اینجا، با مطالعه و بررسی ساختهای شبه‌بخشی در بلوچی توانستیم به وجود دو فرافکن نقشی دیگر یعنی گروه سور و گروه ممیز که در حوزه میانی تولید میشوند پی

ببریم؛ اما باید دید که پذیرش چنین تحلیلی در مورد ساختهای شبه‌بخشی در بلوچی تا چه حد با فرضهای پذیرفته‌شده در این مقاله همخوانی دارد و آیا بر مبنای آن میتوان بعضی ویژگیهای خاص گویش بلوچی را توجیه کرد یا خیر؟

چنانکه گفتیم، در تحلیل تک‌فراکنی اعتقاد بر این است که ساختهای شبه‌بخشی همیشه در نهایت فراکنی از نوع گروه سور و یا گروه عدد هستند و هرگز نمیتوانند مفهوم معرفه داشته و دارای فراکن گروه تعریف باشند. شواهد بلوچی نشان میدهند که ساخت شبه‌بخشی در بلوچی، برخلاف انتظار، میتواند دارای خوانش معرفه باشد. در جمله (۳۱) گروه اسمی در عین اینکه معرفه است، خوانشی شبیه به همه ساختهای شبه‌بخشی داشته و ممیز و عدد قبل از آن همانند یک سور ساده تعیین میزان هسته اسمی را بر عهده دارند. این امر نشان میدهد که حداقل در نمونه (۳۱) ساخت شبه‌بخشی یک گروه تعریف است.

(۳۱) ye se dast poč bāz dorr - ant.

هستند- قشنگ خیلی لباس دست سه این

'این سه دست لباس خیلی قشنگ هستند.'

از طرف دیگر، ساختهای شبه‌بخشی که دارای خوانش نکره هستند میتوانند آزادانه در بلوچی در جایگاه موضوع قرار گیرند. این وضعیت در مثال (۳۲) نشان داده شده است.

(۳۲) yak galās-i āp mn-ā bde.

بده را- من آب لیوانی یک

'یک لیوان آب به من بده.'

براساس آنچه در مقدمه عنوان کردیم، تنها فراکنهای اسمی از نوع گروه تعریف میتوانند به عنوان موضوع به کار روند؛ بنابراین حتی در صورت نکره بودن این نوع گروه‌های اسمی، فراکن گروه تعریف تولید میشود. بنابراین تفاوت ساختهای شبه‌بخشی موجود در نمونه‌های (۳۱) و (۳۲) نه در وجود و یا عدم وجود لایه (DP) بلکه در ارزش مشخصه‌ای هسته (D) است. در نمونه (۳۱) هسته (D) دارای مشخصه معرفه و یا [+Def] است در حالی که همین هسته در نمونه (۳۲) دارای مشخصه نکره [-Def] است. لازم است تکرار کنیم که حضور یک عنصر همچون یک سور نکره که آن هم دارای مشخصه [-Def] است در درون گروه سور برای تحلیل ما مشکلی فراهم نمیکند؛ زیرا هر

مشخصه، صرف نظر از اینکه بر روی چند عنصر وجود داشته باشد، تنها در یک مکان تعبیر میشود و محل تعبیر مشخصه [±Def] هم‌هسته (D) است.

بنابراین چنانکه گفتیم، ساختهای شبه‌بخشی هرگاه معنی معرفه گرفته و یا در جایگاه موضوع یک محمول ظاهر شوند، حتماً فرافکنی از نوع گروه تعریف هستند و اصولاً برخلاف برداشت طرفداران رویکرد تک‌فراکنی، حضور فرافکنهای گروه سور یا گروه تعریف مانع از تشکیل گروه تعریف نمیشود و در واقع این برداشت نتیجه این فرض است که هسته (D) تنها در صورت معرفه بودن گروه اسمی تولید میشود که طبق آنچه تاکنون گفته‌ایم فرض صحیحی نیست.

قبل از اینکه بحث حاضر را به پایان ببریم، باید به یک ویژگی دیگر در ساختهای شبه‌بخشی بلوچی اشاره کنیم که آن را از ساختهای شبه‌بخشی در زبانهای دیگر متمایز میکند. چنانکه توضیح دادیم، یکی از ویژگیهایی که در مورد ساختهای شبه‌بخشی به آن اشاره میشود آن است که در این ساختها هیچ‌گاه اسم (۱) (اسم ممیز) بتنهایی به‌کار نمی‌رود و حتماً عدد، سور و یا یک حرف تعریف نکره همراه آن به‌کار می‌رود. اما این امر چنان‌که در مثال (۳۳) نشان داده شده، ظاهراً در بلوچی رعایت نمیشود.

galās-i	āp	الف (۳۳)
لیوانی	آب	
jopt-i	kōš	ب
جفتی	کفش	

همان‌گونه که مشاهده میشود، قبل از ممیز در نمونه‌های بالا هیچ عنصر دیگری نظیر عدد و یا سور قرار نگرفته است. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که در بلوچی (ی) نکره همواره بر روی اسم هسته تظاهر می‌یابد. از معدود مواردی که در آن به نظر میرسد (ی) نکره در داخل گروه اسمی و بر روی عنصری غیر از هسته اسمی قرار گرفته است ساختهای بخشی هستند.

yak	galās-i	āp	wārton.	(۳۴)
یک	نکره-لیوان	آب(ی)	خوردم	

چنانکه در نمونه بالا میبینیم، (ی) نکره بر روی اسم ممیز قرار گرفته است. این امر باید دلیلی موجه داشته باشد که برای یافتن آن لازم است باز به نمونه‌های (۳۳- الف و ب) بازگردیم. در این نمونه‌ها حضور (ی) نکره بر روی اسم ممیز ضروری است و اگر آن را حذف کنیم نتیجه آن بدساختی گروه اسمی خواهد بود.

*galās āp . الف (۳۵)

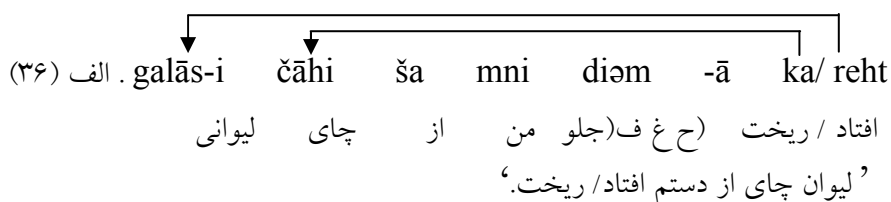
آب لیوان

*jopt kōš . ب

کفش جفت

برای تبیین این شواهد زبانی یک راه حل وجود دارد و آن اینکه با توجه به این حقیقت که گفته شد در صورت وجود یک ممیز حتماً باید یک گروه سور نیز در درون گروه اسمی وجود داشته باشد تا بتواند مشخصه تعبیرناپذیر [uQ] آن را ارزش‌گذاری کند؛ چنین فرض می‌کنیم که در مواردی همچون نمونه‌های (۳۵- الف و ب)، در هسته گروه سور یک سور تهی با مشخصه‌های [-Def] و [+Q] قرار گرفته است. فرض وجود هسته‌های فاقد محتوای آوایی در برنامه کمینه‌گرا امر پذیرفته‌شده‌ای است؛ بنابراین، این توجیه می‌تواند عدم حضور آشکار یک عدد یا کمیت‌نما را در این نمونه‌ها توضیح دهد، اما پاسخی برای تظاهر (ی) نکره بر روی اسم ممیز ارائه نمیدهد. پاسخ این امر می‌تواند در ماهیت ویژه اسم ممیز نهفته باشد. همان‌گونه که گفته شد، ممیزها عناصر نیمه‌نقشی _ نیمه‌واژگانی هستند. این امر به این معنی است که اگرچه در ساخت شبه‌بخشی در جایگاه هسته یک فرافکن نقشی گروه ممیز تولید شده و همچون عناصر نقشی دیگر مانند سورها عمل میکنند، اما هنوز پاره‌ای از خواص واژگانی را حفظ کرده‌اند. بنابراین میتوان چنین فرض کرد که هنگامی که ممیز برای ارزش‌گذاری مشخصه تعبیرناپذیر خود با هسته گروه سور وارد رابطه مطابقه میشود، میتواند در نقش عنصری از مقوله اسم که دارای مشخصه تعبیرناپذیر [uDef] نیز هست، به‌عنوان عنصری نکره ارزش‌گذاری شده و نشانه نکره بر روی آن تظاهر یابد و از آنجا که (ی) نکره در هر گروه اسمی تنها یک بار تظاهر می‌یابد، اسم هسته با وجود اینکه در نهایت به صورت نکره ارزش‌گذاری میشود، اما همراه (ی) نکره به‌کار نمی‌رود.

اینکه اسم ممیز در ساختهای شبه‌بخشی گاه میتواند ویژگیهای یک عنصر اسمی را از خود نشان دهد، به‌طور مستقل از طریق پاره‌ای شواهد زبانی دیگر تأیید میشود؛ برای مثال در مواردی مشاهده میشود که فعل میتواند با اسم (۱) (ممیز) در ساختهای شبه‌بخشی رابطه‌گزینشی برقرار کند و یا اینکه گاه صفتی که قبل از ممیز قرار می‌گیرد می‌تواند این اسم را و نه هسته اسمی واقعی (یعنی اسم (۲)) را توصیف کند.



(۳۷) tuhin jāba-yi zardālu

زر دآلو جعبه‌ای بزرگ

’یک جعبه بزرگ زردآلو‘

همان‌گونه که در نمونه (۳۶) میبینیم، فعل میتواند گاه اسم (۱) و گاه اسم (۲) را انتخاب کند. در نمونه (۳۷) نیز ابهام معنایی وجود دارد. در یک خوانش، منظور گوینده از این گروه اسمی مقدار زیادی زردآلوست (زیرا یک جعبه بزرگ، مقدار زیادی زردآلو در خود جای می‌دهد) و در خوانش دیگر، منظور از این گروه اسمی جعبه‌ای بزرگ است که برای حمل زردآلو استفاده شده است. اگرچه ممکن است تعداد زردآلوه‌ای درون آن زیاد نباشد. شواهدی این‌چنین را میتوان این‌گونه توجیه کرد که در مواردی که فعل و صفت با اسم ممیز وارد رابطه‌گزینشی - توصیفی میشوند، ماهیت واژگانی این اسم بر ماهیت نقشی آن پیشی گرفته و بنابراین حضور آن مانع از دسترسی این عناصر به اسم دوم حاضر در ساخت شبه‌بخشی میشود.

۵- نتیجه

در این مقاله ابتدا به معرفی انواع ساختهای شبه‌بخشی، ویژگیها و تحلیلهای ارائه‌شده در مورد آنها پرداختیم. سپس با بررسی داده‌های بلوچی سرحدی به این نتیجه رسیدیم که

ساخت شبه‌بخشی در این گویش را میتوان در قالب دیدگاهی تک‌فراکنی بخوبی تحلیل کرد. این تحلیل بخوبی با فرضیه‌ها و اصول کلی پذیرفته‌شده در این مقاله همخوانی دارد. براساس یافته‌های ما در این بخش، گروه‌های سور و ممیز نیز از فرافکنهای نقشی تولیدشده در حوزه میانی هستند که از این بین حضور فراکن گروه ممیز مستلزم حضور فراکن گروه سور است؛ اما عکس این قضیه صحیح نیست.

منابع

- Abney, S. (1987). The English noun phrase in its sentential aspect. Ph.D. dissertation. MIT press.
- Alexiadou, A. , L. Haegeman & M. Stavrou. (2007). *Noun phrase in the generative perspective*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Laenzlinger, C. (2005). Some notes on DP internal movements. *Generative grammar in Geneva 4*, 227-260.
- Longobardi, G. (1994). Reference and proper names: A theory of NP movement in syntax and logical form. *Linguistic Inquiry* 25(4); 609-665.
- Lyons, C. (1999). *Definiteness*. Cambridge: Cambridge University Press.